

به‌کارگیری شیوه‌های جبر و تعاضد در نظریهٔ تجميع ظنون با تأکید بر منهج عملی محقق سبزواری

فاطمه حسین زاده ثانی

دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

(نویسنده مسئول) دکتر سید محمد هادی قبولی درافشان

دانشیار فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

h.ghaboli@um.ac.ir

دکتر محمد تقی فخلعی

استاد فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

چکیده

محقق سبزواری در دو کتاب فقهی خود، «ذخیره المعاد» و «کفایة الأحكام» به جبر و اعتضاد توجه ویژه‌ای داشته است. جستار حاضر با روش توصیفی تحلیلی شیوه‌های انجبار و تعاضد روایات را از نظر محقق سبزواری بررسی کرده و این نتیجه به دست آمده است که ایشان دنباله‌رو نظریهٔ وثوق صدوری بوده و ضمن ردّ تقسیم‌بندی خبر به اقسام چهارگانه، معیار عمل به روایت را اعتبار آن دانسته است؛ چه اعتبار سندی و چه اعتبار حاصل از قرائن دیگر. وی در راستای اعتباربخشی به روایات ضعیف سعی دارد با استفاده از تجميع ظنون با روش‌هایی از جمله انجبار با شهرت عملی و روایی، اجماع منقول، نقل اصحاب اجماع و ... ضعف سندی حدیث را جبران نماید. هم‌چنین ایشان در روش تعاضد، با استفاده از تراکم ظنون، در تقویت دلالت احادیث می‌کوشد. مهم‌ترین مؤیداتی که از دیدگاه محقق سبزواری موجب تقویت دلالت حدیث است، تعاضد با آیات، روایات، اصل و ... است.

کلیدواژگان: انجبار، تعاضد، خبر ضعیف، نظریهٔ وثوق صدوری، نظریهٔ وثوق سندی، محقق سبزواری.

مقدمه

قدمای امامیه خبر را به صحیح و غیر صحیح تقسیم کرده‌اند. از نظر ایشان خبر صحیح خبری است که با قرائنی همراه است که موجب اعتماد به صدور آن از معصوم می‌شود.^۱ از نظر ایشان ملاک عمل به خبر واحد وثاقت راوی یا وثوق به صدور روایت است، اگرچه که این وثوق از طریق قرائن خارجی حاصل شده باشد.^۲ از نظر این فقیهان قوت سند، فقط یکی از راههای اطمینان به صدور روایت از معصوم است. در این بستر، نظریه وثوق صدوری شکل گرفته و فقیهانی از خیل متأخران و معاصران مانند آخوند خراسانی،^۳ حاج آقا رضا همدانی،^۴ وحید بهبهانی^۵ و امام خمینی^۶ نیز از طرفداران نظریه مذکور هستند.

بعضی از نویسندگان^۷ در پاسخ به این سؤال که آیا وثاقت خبردهنده به تنهایی برای حجیت کافی است یا به شرطی حجّت است که موجب وثوق به خبر گردد، بیان داشته‌اند که طبق دو دلیل عمده بر حجیت خبر واحد یعنی روایات و سیره عقلا، موضوع حجیت، سبب بودن وثاقت خبردهنده برای وثوق به خود خبر است. این جهت در سیره عقلایی با تأمل در آن روشن می‌شود. عقلا خبر ثقه را به این لحاظ که موجب اطمینان به خبر می‌شود، حجّت می‌دانند. روایات نیز، چه آن‌ها که به طور عام برای حجیت خبر واحد قابل استدلال است و چه روایاتی که در خصوص موضوعات به آن استدلال شده، در موضوع بودن خبر واحد ثقه برای حجیت با همین لحاظ ظهور دارد، پس حصول اطمینان به خبر برای حجیت خبر راوی ثقه، شرط است.

در سوی دیگر، فقهای متأخر احادیث را به اعتبار سند آن به چهار قسم (صحیح، حسن، موثق و ضعیف) تقسیم کرده‌اند.^۸ این دسته از فقها تنها راه دستیابی به اعتبار روایت را سند آن می‌دانند این دیدگاه به نظریه وثوق سندی معروف است. شهید ثانی،^۹ صاحب مدارک،^{۱۰} صاحب معالم^{۱۱} و محقق خوئی^{۱۲} از معتقدان به این نظریه‌اند.

ناقدان این دیدگاه^{۱۳} بر این اعتقادند که اعتماد کامل به سند جایز نیست زیرا بسیار دیده شده است که فرد دروغگویی از راوی ثقه روایت نقل کند. به نظر ایشان حجیت قول رجالی از باب قول اهل خبره است در نتیجه بنابر قول حجیت خبر موثق الصدور

۱- طوسی، الاستبصار، ۴/۱؛ ابن بابویه، المقنع، ۵/۱؛ ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ۹۰/۲ و ۹۱؛ کلینی، الکافی، ۸/۱.

۲- همدانی، مصباح الفقیه، ۶۰/۹

۳- آخوند خراسانی، کفایة الاصول، ۳۰۳

۴- همدانی، مصباح الفقیه، ۶۰/۹

۵- بهبهانی، فوائد الحائریة، ۴۸۷/۱

۶- خمینی، کتاب الطهارة، ۳۹۶/۳.

۷- صرامی، مبانی حجیت آرای رجالی، ۱۹۴ و ۱۹۵.

۸- علامه حلی، منتهی المطلب، ۹/۱ و ۱۰؛ شهید اول، ذکری الشیعه، ۴۸/۱؛ شهید ثانی، الرعاية فی علم الدراية، ۷۷.

۹- شهید ثانی، الرعاية، ۹۲

۱۰- موسوی عاملی، مدارک الاحکام، ۳/۲۶۸

۱۱- صاحب معالم، منتقى الجمان، ۱/۱۸۹

۱۲- خوئی، مصباح الاصول، ۱/۲۴۰ و ۲۴۱.

۱۳- سیستانی، حجیة خبر الواحد، ۱۴۰.

که مبنای ایشان است قول رجالی یکی از مقدمات حصول وثوق بوده و به تنهایی برای عمل به روایات کافی نیست.^{۱۴} برخی قرائن که برای اثبات صدور روایت از معصوم می‌توان به آن استناد کرد، عبارتند از: ذکر حدیث در اصول اربعه، وجود روایت در یکی از کتبی که به معصوم (ع) عرضه شده است، أخذ روایت از کتبی که بین قدما وثوق و اطمینان به آن شایع است و ...^{۱۵} از نظر بعضی محققان^{۱۶}، توثیقات و تضعیفات رجالی از مبادی حصول یا عدم حصول اطمینان به وثاقت راوی یا صدور روایت از معصوم است، بدین معنا که طبق مبنای وثوق صدوری هرگاه راوی مورد توثیق قرار بگیرد اگر برای شخص اطمینان به صدور روایت حاصل شود در این صورت به روایت عمل می‌کند و اگر اطمینان پیدا نکند توثیق راوی فایده‌ای ندارد. اما طبق نظریه حجیت خبر ثقه، اگر برای شخص اطمینان به وثاقت راوی حاصل شود به روایت عمل می‌کند گرچه برای او وثوق به صدور روایت از معصوم حاصل نشود و ادعای اینکه باب اطمینان در زمان حاضر مسدود است و فقیه راهی برای حصول اطمینان به صدور روایت از معصوم جز از طریق استفاضه و مانند آن و یا اطمینان به وثاقت راوی جز از طریق تعدد افراد موثق ندارد، ادعای صحیحی نیست.

باورمندان به وثوق صدوری در مواجهه با روایات ضعیف‌السند تلاش می‌کنند تا به یاری برخی قرائن و تجمیع آن‌ها ضعف سندی آن را جبران نموده و به صدور روایت از معصوم اطمینان پیدا کنند. از این امر با عنوان «خبر ضعیف منجبر» و «قاعده تجابر» یاد می‌شود.^{۱۷} شیخ طوسی^{۱۸} از نخستین کسانی است که در کتاب «عدّة الاصول» موافقت روایت با دلیل عقلی و مقتضای آن، موافقت با کتاب، موافقت با سنت و موافقت با اجماع را به‌عنوان مواردی که دلالت بر صحت متن و مضمون حدیث دارند، ذکر کرده است.

محقق حلی^{۱۹} نیز ضمن ردّ افراط و تفریط در عمل به خبر واحد معتقد است که به آنچه اصحاب پذیرفته‌اند، یا قرائنی بر صحت آن دلالت می‌کند باید عمل شود و آنچه اصحاب از آن اعراض کرده یا شاذّ و نادر است باید طرح و رد شوند. در بحث تراکم ظنون از بررسی عبارات فقها و اصولیان چنین استفاده می‌شود که فقیهانی چون علامه حلی^{۲۰}، شیخ بهایی^{۲۱} و شیخ انصاری^{۲۲} معتقد بودند که از مجموع ظنونی که کذب آن‌ها معلوم نباشد ظنّ متأخّم به علم حاصل می‌شود و چنین ظنی حجت است. عبارت «حساب احتمالات» که شهید صدر از آن نام‌برده است مبتنی بر تراکم ظنون است.^{۲۳} در دوران معاصر نیز مقالاتی درباره این روش استنباطی نگاشته شده است که می‌توان به چند نمونه اشاره کرد. از جمله مقاله «مقایسه روش اجتهادی

^{۱۴}- سیستانی، حجیة خبر الواحد، ۲۱۷ و ۲۱۸.

^{۱۵}- عاملی، مشرق الشمسین، ۲۶ تا ۲۹؛ مامقانی، مقباس الهدایة، ۱۳۹/۱ تا ۱۴۱

^{۱۶}- سیستانی، قیسات من علم الرجال، ۲۰/۱.

^{۱۷}- علامه حلی، منتهی المطلب؛ ۲۲۰/۲، ۲۶۱، ۳۰۲؛ شهید اول، ذکری الشیعة، ۲۸۱/۴؛ مامقانی، نهاية المقال، ۱۳۱؛ بهبهانی، حاشیة مجمع الفائدة و

البرهان، ۸۰؛ نراقی، مستند الشیعة، ۲۱۷/۲.

^{۱۸}- طوسی، عدّة الاصول، ۱/۱۴۵ و ۱۴۶.

^{۱۹}- محقق حلی، المعتبر، ۲۹/۱.

^{۲۰}- علامه حلی، نهاية الوصول، ۲/۴۴.

^{۲۱}- عاملی، مشرق الشمسین، ۷۱/۱.

^{۲۲}- انصاری، فرائد الاصول، ۱/۲۱۵.

^{۲۳}- صدر، دروس فی علم الاصول، ۲/۱۲۹.

صاحب جواهر و محقق خوئی^{۲۴}، «واکاوی کتاب ثلاث رسائل فی الجهاد- روش شناسی اجتهاد- نواندیشی های فقهاتی»^{۲۵}، «اعتبارسنجی تراکم ظنون در فرایند استنباط»^{۲۶}. وجه تمایز این تحقیق بیان رویکرد عملی محقق سبزواری است که با استفاده از راهکار تجمیع و تعاضد، ظن خود را تقویت نموده و کوشیده است ضعف سند و یا دلالت حدیث را تقویت کند.

تجابر و تعاضد

معنای لغوی

جبر در لغت به معنای جبران کردن کاستی است.^{۲۷} عضد نیز در لغت به معنای معونت است^{۲۸} و مجازاً در معنای مُعین استعمال می شود.^{۲۹}

معنای اصطلاحی

جابر عبارت است از انضمام امر خارجی به مجبور به گونه ای که با این انضمام مجبور دارای اعتبار شود؛ خواه مجبور دارای مضمونی موافق با جابر باشد و خواه اصلاً دارای مضمونی نباشد. اولی همانند شهرت فتوایی است درجایی که به روایتی منضم شود که موجب ظن به صدور آن روایت از معصوم گردد و دومی همانند شهرت روایی است. در این صورت شهرت روایی جابر ضعف سند است و خودش مضمونی ندارد. معاضد نیز عبارت است از مطابق بودن مضمون معاضد با مضمون دیگر.^{۳۰}

اشارتی به روش شناسی اجتهاد

پیش از ورود به بحث شیوه های تجابر و تعاضد از دیدگاه محقق سبزواری، لازم است که روش استنباطی ایشان مورد بررسی قرار بگیرد. به طور کلی دو روش اجتهادی عمده در کلمات فقهای شیعه دیده می شود.

۱. روش اجتهادی تجمیع ظنون (فقه قناعت، فقه ضمانتی)

در این روش، فقیه به تجمیع ظنون مختلف در مسئله پرداخته و با ضمیمه کردن آن ها به یکدیگر به وثوق، اطمینان یا ظن به حکم شرعی نائل می شود گرچه هرکدام از آن ظنون و شواهد به تنهایی حجت نباشد. از آنجاکه محور اساسی در این روش، اطمینان و قناعت وجدان فقیه می باشد، از آن به «فقه قناعت» نیز تعبیر شده است؛ همچنانکه به جهت ضمّ شواهد و قرائن، به آن «فقه ضمانتی» نیز می گویند. شیخ انصاری، صاحب جواهر، بروجردی و شیخ عبدالکریم حائری از این روش پیروی کرده اند.^{۳۱}

^{۲۴} - علی دوست، لطفی، «مقایسه روش اجتهادی صاحب جواهر و محقق خوئی»، ۱۳۹ تا ۱۶۷.

^{۲۵} - بهرام نسب، «واکاوی کتاب ثلاث رسائل فی الجهاد» روش شناسی اجتهاد- نواندیشی های فقهاتی»، ۱۵۶ تا ۱۲۳.

^{۲۶} - خطیبی، اعتبارسنجی تراکم ظنون در فرایند استنباط، ۳۴ تا ۷.

^{۲۷} - فراهیدی، کتاب العین، ۱۱۶/۶؛ صاحب بن عباد، المحیط فی اللغة، ۹۷/۷.

^{۲۸} - ابن فارس، معجم مغائیس اللغة، ۳۴۸/۴.

^{۲۹} - محمود، معجم المصطلحات و الالفاظ الفقهیة، ۵۰۹/۲.

^{۳۰} - کلاتری، مطرح الانظار، ۳۰۱/۳.

^{۳۱} - علی دوست، لطفی، «مقایسه روش اجتهادی صاحب جواهر و محقق خوئی»، ۱۴۲؛ بهرام نسب، «واکاوی کتاب ثلاث رسائل فی الجهاد» روش شناسی اجتهاد- نواندیشی های فقهاتی»، ۱۲۷.

در شیوه اجتهادی تجمیع ظنون، فقها ادله مطرح شده در مسائل فقهی را در دو مرحله مدّ نظر قرار می دهند. در مرحله اول، فقیه به بررسی و نقد هر یک از ادله به طور جداگانه می پردازد. در این مرحله ممکن است هیچ کدام از ادله خالی از مناقشه نباشد و به حد حجیت نرسد ولی در مرحله دوم مجموع ادله را مدّ نظر قرار می دهد. در این مرحله ممکن است هر یک از ادله، نقص و کاستی دلیل دیگر را جبران نماید و مجموع آنها، فقیه را به نتیجه برساند. از این مرحله از اجتهاد به «نظام حلقوی بین ادله» تعبیر می نماییم.^{۳۲}

در این روش شهرت هم جابر سند و دلالت و هم کاسر آن است. در این روش فقیه پیش از فتوا آثار آن را در جامعه بررسی می کند و از اثر فتوا به صحت و فساد فتوا می رسد. رفت و برگشت های فقیه در مسئله بسیار زیاد است و نظر نهایی او قابل پیش بینی نیست. بیش تر از عرف استفاده می شود و کمتر دقت های اصولی اعمال می شود. اجماع، شهرت، فتاوی فقها و استظهار از کلمات آنها جایگاه خاصی در این روش دارد و از اصول فقه تنها در جایی که نیاز واقعی فقه طلب کند استفاده می شود. طلایه دار این روش آیت الله بروجردی است.^{۳۳}

۲. روش اجتهادی صناعت محور (فقه صناعت، فقه مدرسه ای، فقه ریاضی)

طبق این روش، فقیه با استفاده از گروه خاصی از ادله که حجیت هر کدام از آنها در علم اصول فقه به اثبات رسیده، به استنباط حکم می پردازد و اگر آن ادله، فاقد شرایط حجیت باشند، کنار گذاشته می شوند و فقیه سراغ اصول عملیه می رود.

گاهی نیز از این روش اجتهاد به روش ریاضی گونه تعبیر می شود زیرا همان طور که مسائل علم ریاضی دارای فرمول مخصوصی است، مسائل علم فقه دارای قواعد مشخص و اصول معین است و فقیه در مقام استنباط از حدود آن قواعد خارج نمی شود.^{۳۴} در روش اجتهادی صناعت محور، شهرت فتوایی اعتباری ندارد. روایتی که سند درستی داشته باشد مقبول می افتد و اگر نداشته باشد کنار گذاشته می شود. در این روش اجتهادی، عقل کمتر به کار گرفته می شود و رفت و برگشت های فقیه در مسئله کمتر است. نظر فقیه صناعت محور قابل پیش بینی است. از علم اصول زیاد استفاده می شود و دقت های عقلی فراوانی در مسائل به کار گرفته می شود. در اعتماد به روایات سخت گیری های خاصی اعمال می شود و توجه چندانی به اقوال گذشتگان نمی شود. کثرت تفریع فروع، ویژگی دیگر این روش است. پرچم دار این روش محقق خوئی است.^{۳۵}

در روش اجتهادی صناعت محور، فقیه با ضمّ ادله ای همچون شهرت به خبر ضعیف، موجب جبران ضعف سند آن می شود، اما در روش اجتهادی صناعت محور فقیه معتقد است که خبر ضعیف حجت نیست و در نتیجه ضمیمه کردن اموری نظیر شهرت به خبر ضعیف موجب حجیت خبر ضعیف نمی شود زیرا ضمیمه کردن دو امری که حجیت ندارند موجب حصول حجیت نمی شود.^{۳۶}

^{۳۲} - علی دوست، لطفی، «مقایسه روش اجتهادی صاحب جواهر و محقق خوئی»، ۱۴۸.

^{۳۳} - بهرام نسب، واکاوی کتاب «ثلاث رسائل فی الجهاد»، روش شناسی اجتهاد- نو اندیشی های فقهی، ۱۳۱.

^{۳۴} - علی دوست، لطفی، «مقایسه روش اجتهادی صاحب جواهر و محقق خوئی»، ۱۴۳؛ بهرام نسب، «واکاوی کتاب «ثلاث رسائل فی الجهاد» روش شناسی اجتهاد- نو اندیشی های فقهی»، ۱۲۷.

^{۳۵} - بهرام نسب، واکاوی کتاب «ثلاث رسائل فی الجهاد»، روش شناسی اجتهاد- نو اندیشی های فقهی، ۱۲۹ و ۱۳۰.

^{۳۶} - علی دوست، لطفی، «مقایسه روش اجتهادی صاحب جواهر و محقق خوئی»، ۱۴۶ تا ۱۴۸.

قانلان به حجیت خبر موثوق از روش اجتهادی قناعت محور استفاده می‌کنند. این دسته از اصولیان وجود قرائن و شواهد را در کنار خبر و منضم شدن خبر ضعیف به این قرائن را معیار قبول خبر می‌دانند در حالیکه قانلان به حجیت خبر ثقه از روش اجتهادی صناعت محور بهره برده‌اند.^{۳۷}

بحث تجمیع و تراکم ظنون در لسان فقها در مباحثی همچون اجماع، خبر واحد، جبران ضعف سند حدیث و نیز تقویت دلالت روایت به کار رفته است. به عنوان نمونه در بحث حجیت اجماع اگر فقیهی در مورد یک مسئله، فتوایی صادر کند چون به دوراز شأن فقها است که بدون دلیل شرعی فتوا دهند؛ ظنّ و گمان به وجود دلیل برای این فتوا حاصل می‌شود، سپس وقتی فقیه دیگری با وی موافق باشد، ظنّ مزبور تقویت می‌شود و بدین صورت هرچه تعداد موافقان افزوده گردد، به قوت ظنّ نیز اضافه می‌شود تا جایی که از تراکم ظنون و قوت آن‌ها قطع به صحت فتوا حاصل می‌شود، همان‌گونه که شأن اخبار متواتر چنین است.^{۳۸} شهید صدر نیز از عبارت تراکم احتمالات به عنوان مدرکی برای اجماع نام می‌برد.^{۳۹}

استفاده از رویکرد تراکم ظنون فقط منحصر به فتوای فقیه و اجماع نیست، بلکه خبر واحد را نیز شامل می‌شود. به عنوان نمونه اگر فردی خبر دهد که زید مرده است و اماره و نشانه دیگری نیز بر فوت زید اقامه شود و به همین صورت چند دلیل بر فوت او دلالت کنند، اجتماع این ظنون، موجب قطع به مرگ زید می‌شود.^{۴۰}

بیشتر علما^{۴۱} معتقدند علم و قطع و یا اطمینانی که از تراکم ظنون در برخی موارد پدید می‌آید، حجت است و باید طبق آن عمل کرد. در حجیت اجماع محصل بیان شده که تراکم ظنون، موجب قطع است؛ زیرا فتوای یک فقیه گرچه افاده ظنّ می‌کند اما با فتوای فقهای دیگر قطع به صحت برای انسان حاصل می‌شود؛ زیرا بطلان فتوای همه فقها بعید است. در مقابل گروهی^{۴۲} نیز معتقدند که در مورد اجماع، تراکم ظنون موجب قطع نمی‌شود و قیاس آن با قطعی که از خبر متواتر به دست می‌آید صحیح نیست؛ زیرا قطع در اخبار از امور حسی حاصل می‌شود، همچون خبر متواتر که تبانی بر کذب و احتمال خطا در همه موارد عادتاً محال است، اما در اخبار از امور حدسی همان‌طور که احتمال خطا در واحد وجود دارد در کل نیز وجود دارد و بحث تراکم ظنون در اجماع نیز از قبیل امور حدسی است که احتمال خطا داشته و موجب قطع نمی‌شود. محقق خوئی^{۴۳} نیز معتقد است که ظنّ ضعیف (غیر معتبر) حجت نیست؛ ازین رو انضمام آن‌ها به یکدیگر نمی‌تواند حجیت آور باشد.

^{۳۷} - علیدوست، لطفی، «مقایسه روش اجتهادی صاحب جواهر و محقق خوئی»، ۱۵۳.

^{۳۸} - حاج عاملی، ارشاد العقول، ۱۷۳/۳.

^{۳۹} - صدر، دروس فی علم الاصول، ۱۲۹/۲.

^{۴۰} - حلی، اصول الفقه، ۴۸۲/۶.

^{۴۱} - علامه حلی، نهاية الوصول، ۴۴/۲؛ سبزواری، تهذیب الاصول، ۸۳/۲؛ نراقی، عوائد الایام، ۶۸۸.

^{۴۲} - روحانی، زبدة الاصول، ۱۱۲/۳.

^{۴۳} - خوئی، مصباح الفقاهة، ۱۹/۱.

صاحب حاشیه بر معالم و وحید بهبهانی معتقدند که هرکدام از دو دلیلی که حجت نیستند با انضمام به یکدیگر تقویت می‌شوند و مانعی از رسیدن به حجیت بعد از انضمام وجود ندارد؛ چراکه از تراکم ظنون قطع حاصل می‌شود با اینکه هیچ‌یک از آنها به تنهایی حجیت ندارند.^{۴۴}

میرزای نائینی معتقد است که نمی‌توان حجیت تراکم ظنون را به‌عنوان یک ضابطه کلی پذیرفت و در همه موارد آنها جاری دانست؛ زیرا به اختلاف موارد ظنون و حالات اشخاص و موارد مختلف، مراتب و موارد گمان‌ها و حالات اشخاص متفاوت است.^{۴۵}

روش‌شناسی اجتهادی محقق سبزواری

با دقت در عبارات محقق سبزواری می‌توان وی را از پیروان مسلک تجمیع ظنون دانست؛ چراکه در موارد متعددی با انضمام قرائن و شواهد، گاه ضعف سند حدیث را جبران کرده و گاه با تعاضد قرائن و ادله سبب تقویت دلالت حدیث می‌شود که از آن به‌عنوان «تجابر و تعاضد» یاد می‌شود. تراکم ظنون درجایی که سند روایت ضعیف است سبب وثوق به صدور روایت می‌شود و درجایی که روایت سند صحیحی دارد سبب تقویت دلالت حدیث می‌شود.

دیدگاه محقق سبزواری در مورد تجابر و تعاضد

شیخ مفید و سید مرتضی مکتبی را در شیعه پایه‌گذاری نمودند که اخبار آحاد را فاقد حجیت می‌دانستند اما این مکتب به مرور زمان ناکارآمدی خود را در سایر اعصار نشان داد؛ لذا علامه حلی الگوی فکری جدیدی را ارایه داد و نظریه «حجیت اخبار آحاد» را مطرح نمود.^{۴۶} البته این رویکرد منجر به کنارگذاشتن بخش عمده روایات امامیه به علت ضعف سندی می‌شد و از این رو علامه راهکاری ارائه داد تا در عمل خود را به قدمای اصحاب نزدیک کند. مهم‌ترین ابزار وی در این زمینه چنین بود: برخی از اخبار اگرچه طبق اصطلاح تنويع رباعی، ضعیف به شمار می‌روند اما عمل اصحاب این ضعف را جبران می‌کند.^{۴۷} این روش علامه حلی توسط فقهای بعد از وی نیز ادامه یافت.^{۴۸} شهید ثانی در تألیفات ابتدایی خود همین رویکرد را در پیش گرفت^{۴۹} اما در آثار بعدی رویکردی متفاوت اختیار کرد و بدین‌رو آغاز رویکرد انتقادی نسبت به شهرت را می‌توان در آرای شهید ثانی جستجو کرد.^{۵۰} ولی مقدس اردبیلی^{۵۱} و شاگردانش بیش از دیگران به پررنگ کردن جنبه‌های بررسی سند و وضع قواعد سختگیرانه در

^{۴۴} - ایوان کیفی، هدایة المسترشدين، ۴۵۱/۳، بهبهانی، فوائد الحائریة، ۳۰۰.

^{۴۵} - نائینی، فوائد الاصول، ۱۵۱/۳.

^{۴۶} - علامه حلی، نهاية الوصول، ۳۸۳/۳، ۴۱۰.

^{۴۷} - علامه حلی، منتهی المطلب، ۲۲۰/۲، ۲۶۱، ۳۰۲.

^{۴۸} - شهید اول، ذکری الشیعة، ۲۸۱/۴؛ شهید اول، غایة المراد، ۱۸۳/۲، ۴۷۰؛ ابن‌فهد حلی، المقتصر، ۱۱۶ و ۳۵۷؛ محقق کرکی، جامع المقاصد، ۱۹۱/۱ و ۴۱۷.

^{۴۹} - شهید ثانی، روض الجنان، ۲۶۶/۱ و ۳۹۶؛ شهید ثانی، مسالك الافهام، ۱۸۴/۱، ۷۷/۱۴، ۴۴۱/۱۵.

^{۵۰} - شهید ثانی، الرعاية في علم الدراية، ۹۲ و ۹۳.

^{۵۱} - مقدس اردبیلی، مجمع الفائدة و البرهان، ۲۳۵/۱، ۳۲۴.

پذیرش سند روایت از یک سو و بی‌اعتنایی به اقوال و عمل مشهور از سوی دیگر پرداختند و زمینه پیدایش اخباری‌گری را فراهم آوردند.^{۵۲}

در نیمه اول و اواسط سده یازدهم با سه طیف متفاوت روبرو هستیم که بر خلاف جریان عادی و سیر تطور طبیعی مکتب حله شکل می‌گیرند. ۱- طیفی به انتقاد از الگوی فقهات مکتب حله و نوع مواجهه آن با سنت می‌پردازد و بازگشت به سیره متقدمان را پیشنهاد می‌دهند. ۲- گروهی دیگر سعی دارد تا در درون مکتب حله اصلاحاتی را ایجاد کند و الگوی حلقه متقدم مکتب حله را احیا کنند. ۳- جریان سوم متأثر از «الفوائد المدنیة» سعی کردند تا اجتهاد اخبارگرا را پیشه کنند.^{۵۳} محقق سبزواری از فقهای قرن یازدهم هجری است که از مکتب فقهی محقق اردبیلی اثر پذیرفته است.^{۵۴} وی در کتاب «ذخیره المعاد» دیدگاه‌هایی دارد که آشکارا تأثیرپذیری وی را از اخباری‌گری نشان می‌دهد و اینکه او قصد داشته تا حلقه‌ای واسط بین اخباری‌گری و اجتهاد ایجاد کند. به‌عنوان نمونه ایشان روایات «من لایحضره الفقیه» را به دلیل گفتار مؤلف در مقدمه کتاب معتبر می‌داند.^{۵۵} همچنین سعی می‌کند تا با اخباری‌گری خود تا حدودی نقص‌های الگوی فقهات حلقه فکری محقق اردبیلی را بپوشاند.^{۵۶} چرا که محقق اردبیلی از جمله فقهایی است که قایل به نظریه وثوق سندی است و معتقد است که شهرت حجت نبوده و ضعف سند روایت با شهرت منجر نمی‌شود.^{۵۷} همچنین ایشان تنها قائل به حجیت اخبار صحیح است و روایات موثق و حسن را فاقد حجیت می‌داند.^{۵۸} اما محقق سبزواری با توسعه دایره پذیرش روایات، از الگوی فکری محقق اردبیلی در مواجهه با سنت پیروی نکرده است. برخی از این آرا از این قرارند: حجیت روایات موثق^{۵۹}، حجیت نظریه انجبار^{۶۰}، حجیت مراسیل اصحاب اجماع و مشایخ ثقات^{۶۱}. از نظر ایشان ملاک عمل به خبر واحد ظن قوی به مدلول خبر است.^{۶۲} همچنین ایشان تقسیم‌بندی متأخران در مورد خبر واحد را نپذیرفته و معتقد است تقسیم‌بندی خبر به معنای مصطلح در بین متأخران ملاک عمل به خبر واحد نیست بلکه ملاک، عمل به خبر معتبری است که افاده ظن قوی کند و نه دوران امر بین صحت و عدم آن به همان معنایی که در بین متأخران رایج است.^{۶۳}

^{۵۲}- مصطفوی فرد، نقش عملکرد حلقه فکری محقق اردبیلی در پیدایش اخباری‌گری در تشیع، ۹ و ۸.

^{۵۳}- مصطفوی فرد، فرآیند انتقال الگوی فکری امامیه از اجتهاد به اخباری‌گری در قرن یازدهم، ۲۱۶ و ۲۱۷.

^{۵۴}- ربانی، مکاتب فقهی، ۱۴۲.

^{۵۵}- محقق سبزواری، ذخیره المعاد، ۱/ ۱۰، ۲۲، ۲۷، ۳۹.

^{۵۶}- مصطفوی فرد، فرآیند انتقال الگوی فکری امامیه از اجتهاد به اخباری‌گری در قرن یازدهم، ۲۳۰ و ۲۳۱.

^{۵۷}- مقدس اردبیلی، مجمع الفائدة والبرهان، ۱/ ۲۳۵، ۲۶۱، ۳۰۱، ۳۷۷/۲، ۳۱۷.

^{۵۸}- مقدس اردبیلی، مجمع الفائدة والبرهان، ۱/ ۲۸۱، ۱۴۴/۲، ۴۸/۸.

^{۵۹}- محقق سبزواری، ذخیره المعاد، ۱/ ۳ و ۸۹.

^{۶۰}- محقق سبزواری، ذخیره المعاد، ۱/ ۴، ۷، ۳۴، ۳۷، ۹۴.

^{۶۱}- محقق سبزواری، ذخیره المعاد، ۱/ ۳، ۵، ۳۷، ۴۱، ۴۸.

^{۶۲}- محقق سبزواری، ذخیره المعاد، ۱/ ۵.

^{۶۳}- محقق سبزواری، ذخیره المعاد، ۲/ ۲۲۱.

توجه به سند و راوی در ارزیابی احادیث سبب شده که بسیاری از روایات در زمره روایات ضعیف قرار بگیرند. عملکرد محقق سبزواری بیانگر این مطلب است که ایشان از شیوه‌های مختلفی برای اعتباربخشی به روایات استفاده می‌کند که برخی از شیوه‌ها ناظر به جبران ضعف سند روایت و برخی دیگر در جهت تقویت دلالت روایت است.

الف) شیوه‌های انجبار ضعف سند از دیدگاه محقق سبزواری

محقق سبزواری در فرایند ارزیابی احادیث، ضعف سند حدیث را مستمسکی برای رد مطلق آن قرار نمی‌دهد، بلکه سعی می‌کند تا با استفاده از روش «تجمیع و تراکم ظنون»، ظن و گمان خود را تقویت و با استفاده از قرائن مختلف، ضعف سندی حدیث را جبران نماید. از جمله روش‌هایی که ایشان در جهت اعتباربخشی به روایات ضعیف مورد استفاده قرار می‌دهد می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. انجبار با شهرت عملی (عمل اصحاب)

شهرت عملی به معنای مشهور بودن عمل به یک روایت در نزد فقها می‌باشد بدین صورت که عمل‌کننده به آن روایت زیاد باشد و این امر از استناد فتوا دهندگان به آن روایت در مقام فتوا دادن دانسته می‌شود.^{۶۴}

بیشتر اصولیان^{۶۵} معتقدند که شهرت عملی جبران‌کننده ضعف روایت و کاشف از همراه بودن آن با قرینه و توجیه‌کننده عمل به آن است و اعراض اصحاب از روایت موجب وهن و سستی روایت است، گرچه قوی السند باشد، بلکه هر چه سند روایتی قوی‌تر باشد و اصحاب از آن اعراض کنند در این صورت دلالت بیشتری بر وهن و سستی آن روایت دارد. قول به جابریت شهرت عملی مشروط به دو چیز است:

اول اینکه قدمای اصحاب به طور مشهور بدان عمل کرده باشد و شهرت متأخران کفایت نمی‌کند؛ چراکه عمل به خبر مشهور در نزد قداما موجب اطمینان به صدور خبر می‌شود.^{۶۶}

دوم اینکه روایت باید در منظر و دید اصحاب باشد اما اگر احتمال داده شود که مشهور از این روایت اطلاعی نداشته‌اند، در این صورت، شهرت جابریت ندارد.^{۶۷}

محقق سبزواری نیز شهرت را جابر ضعف سندی می‌داند، به شرطی که متعلق به قدمای اصحاب باشد و نه متأخران.^{۶۸} ایشان در مواردی به جای استفاده از واژه شهرت از تعابیری همچون «عمل اصحاب»^{۶۹} و «تلقی به قبول شدن»^{۷۰} استفاده می‌کند. در زیر موردی از استناد ایشان به شهرت عملی بیان می‌شود:^{۷۱}

^{۶۴}- نائینی، اجود التقريرات، ۹۹/۲؛ نائینی، فوائد الاصول، ۱۵۳/۳؛ عراقی، نهاية الافکار، ۲۰۵/۴.

^{۶۵}- عراقی، نهاية الافکار، ۲۰۵/۴؛ نائینی، اجود التقريرات، ۱۰۰/۲؛ مظفر، اصول الفقه، ۲۲۱/۲.

^{۶۶}- عراقی، نهاية الافکار، ۹۹/۲؛ نائینی، فوائد الاصول، ۱۵۳/۳؛ نائینی، اجود التقريرات، ۱۵۹/۲؛ مظفر، اصول الفقه، ۲۲۱/۲.

^{۶۷}- نائینی، اجود التقريرات، ۱۰۰/۲.

^{۶۸}- محقق سبزواری، ذخیره المعاد، ۴/۱ و ۱۰۷.

^{۶۹}- محقق سبزواری، ذخیره المعاد، ۷/۱ و ۳۷/۳۴؛ محقق سبزواری، کفایة الاحکام، ۲۳۲۸ و ۶۱۱، ۷۹۱/۲.

^{۷۰}- محقق سبزواری، ذخیره المعاد، ۱۳۱/۱، ۳۲۱/۲.

^{۷۱}- محقق سبزواری، ذخیره المعاد، ۱۴۴/۱، ۱۳۳، ۲۴۲/۲ و ۲۸۶؛ محقق سبزواری، کفایة الاحکام، ۶۱۱۸، ۲۱۶/۲ و ۷۹۱.

در بحث موانع ارث، محقق سبزواری بیان می‌دارد که نظر معروف در بین اصحاب که نزدیک به حد اجماع است، این است که اگر فرد کافری بمیرد و دارای چندین ورثه کافر و یک وارث مسلمان باشد، در این صورت وارث مسلمان و نه کافر ارث می‌برد و بر این مطلب روایت حسن بن صالح دلالت دارد.^{۷۲} در اینجا محقق سبزواری معتقد است گرچه این روایت، روایت ضعیفی است اما ضعف آن با عمل اصحاب منجر شود.^{۷۳}

به نظر صاحب کفایة الاحکام عمده‌ترین مسئله در باب احتجاج به روایات، اقتران روایت به قرینه‌ای است که موجب غلبه ظن به صحت مدلول خبر شود و عمل اصحاب و تلقی به قبول شدن خبر در میان ایشان از قوی‌ترین قرائنی است که موجب ظن به صحت روایت می‌شود هم‌چنان‌که اعراض اصحاب از جمله قرائنی است که دلالت بر عدم صحت روایت و عدم انتساب آن به معصوم (ع) دارد و چه بسیارند اخبار صحیح‌های که بدان‌ها عمل نمی‌شود، به این دلیل که اصحاب بدان‌ها عمل نکرده‌اند و این عمل نکردن موجب تضعیف ظن به صحت مدلول روایات می‌شود.^{۷۴} این مطلب بیانگر نظر محقق سبزواری در مورد اعراض مشهور فقها از یک روایت صحیح‌السند نیز می‌باشد و ایشان اعراض اصحاب را موجب وهن و سستی روایت می‌دانند.

۲. انجبار با شهرت روایی

بیشتر اصولیان^{۷۵} شهرت روایی را به معنای کثرت نقل و شیوع یک روایت از راه تکرار آن می‌دانند. در مقابل، بعضی از اصولیان^{۷۶} شهرت روایی را به معنای کثرت راوی می‌دانند البته در صورتی که تعدد راویان به حد تواتر نرسد.

در بحث جابریت شهرت روایی بعضی از فقها معتقدند که کثرت نقل اصحاب، گرچه در سند روایت، راوی ثقه نباشد، موجب ظن اطمینانی به همراه بودن آن با قرینه‌ای می‌شود که موجب شهرت روایت در بین اصحاب نزدیک به زمان صدور می‌شود و این امر اثبات‌کننده این مطلب است که ایشان بر امری وقوف داشته‌اند که موجب اطمینان خاطر به صدور روایت می‌شود، در این صورت، شهرت روایی موجب می‌شود روایت ضعیف غیر موثوق در خبر موثوق داخل شود، اما شهرت روایی در میان متأخران از عصر صدور، سبب جبران ضعف سندی نمی‌شود و حجت نیست.^{۷۷}

در مقابل، عده‌ای^{۷۸} معتقدند که شهرت روایی به تنهایی جابر ضعف سند نیست، مگر اینکه اکثر فقها به مضمون روایت عمل کرده و بر طبق آن فتوا داده باشند.

از بررسی موارد استناد محقق سبزواری به شهرت روایی استنباط می‌شود که ایشان شهرت روایی را همچون مشهور به معنای کثرت نقل و تکرار آن در اصول و کتب حدیثی می‌دانند.^{۷۹}

^{۷۲}- حر عاملی، وسائل الشیعة، ۱۲/۲۶.

^{۷۳}- محقق سبزواری، کفایة الاحکام، ۷۹۱/۲.

^{۷۴}- محقق سبزواری، ذخیره المعاد، ۱۳۱/۱.

^{۷۵}- عراقی، نهاية الافکار، ۲۰۵/۴؛ نائینی، فوائد الاصول، ۱۵۳/۳؛ خوئی، مصباح الاصول، ۱۴۱/۱.

^{۷۶}- مظفر، اصول الفقه، ۱۴۵/۲؛ صدر، دروس فی علم الاصول، ۱۳۳/۲.

^{۷۷}- نائینی، اجود التقريرات، ۱۵۹/۲.

^{۷۸}- بهبهانی، فوائد الحائریة، ۲۱۳.

^{۷۹}- محقق سبزواری، ذخیره المعاد، ۳۸۴/۲؛ محقق سبزواری، کفایة الاحکام، ۴۹۱/۱.

نیز ایشان قائل به انجبار ضعف سند حدیث با شهرت روایی است.^{۸۰} نکته‌ای که در اینجا با بررسی موارد استناد محقق سبزواری به شهرت روایی برای جبران ضعف سند حدیث، به دست می‌آید این است که ایشان شهرت روایی را مؤیدی به شمار می‌آورد، نه قرینه‌ای مستقل برای جبران ضعف سند حدیث؛ چراکه در دو موردی که ایشان به شهرت روایی برای جبران ضعف سند استناد کرده اند در کنار آن از شهرت عملی نیز نام برده‌اند که نشان‌دهنده آن است که شهرت روایی را به تنهایی جابر ضعف سند نمی‌داند.

در مورد شخصی که از او نمازی فوت شده ولی نمی‌داند کدامین نماز بوده، نظر مشهور فقها این است که این فرد باید یک نماز سه رکعتی به نیت نماز مغرب و یک نماز دو رکعتی به نیت نماز صبح و یک نماز چهار رکعتی بخواند و نیت او مردد بین نماز ظهر و عصر و عشا باشد.^{۸۱} مستند این حکم روایتی از علی بن اسباط از امام صادق (ع) است.^{۸۲} در مورد راوی این روایت اقوال مختلف است. نجاشی علی بن اسباط را توثیق نموده و معتقد است که او «اوثق الناس» بوده است، گرچه که سابقه فطحی مذهب بودن را دارد، اما از این مذهب خود عدول کرده است.^{۸۳}

کشی معتقد است که «علی بن اسباط» فطحی مذهب بوده و با همین عقیده از دنیا رفته است.^{۸۴} محقق سبزواری قول نجاشی را ترجیح داده و معتقد است که گرچه که علی بن اسباط موثق است، اما عبارت «عن غیر واحد» دلالت بر تعدد روایت و در نتیجه ظهور صحت خبر علی بن اسباط دارد. محقق سبزواری معتقد است برفرض پذیرش ضعف سند، تکرار روایت در کتب و تألیفات اصحاب و هم‌چنین شهرت عمل به روایت در بین اصحاب، ضعف آن را جبران می‌کند.^{۸۵} در بحث اختلاف متبایعین، هرگاه بایع و مشتری در مقدار ثمن با هم اختلاف نظر داشته باشند و عین مبیع باقی باشد، در این صورت قول بایع با سوگندش قبول می‌شود، در غیر این صورت، قول مشتری با قسمش مقدم است و مستند این حکم نیز طبق نظر محقق سبزواری مرسله ابن ابی نصر است که ارسال آن مضر نیست؛ زیرا محقق سبزواری معتقد است که مراسیل ابن ابی نصر به منزله مسانیدند و هم‌چنین این روایت در بین اصحاب مشهور بوده و معمول واقع شده است و در کتب اصحاب نیز مکرراً نقل شده و دارای شهرت روایی است.^{۸۶}

در مقابل این نظریه، برخی از فقها از جمله محقق خوئی^{۸۷} معتقدند که عمل مشهور جبر ضعف سند یا دلالت نمی‌کند؛ زیرا خبر ضعیف و فتوای مشهور بنا بر فرض حجت نمی‌باشند در نتیجه این بحث از قبیل انضمام غیر حجت به غیر حجت است که حجیت‌آور نیست؛ زیرا انضمام عدم به عدم تنها منتج به عدم می‌شود. هم‌چنین ایشان معتقد است که مراد از مشهور، متقدمان

^{۸۰} - محقق سبزواری، ذخیره المعاد، ۳۸۴/۲؛ محقق سبزواری، کفایة الاحکام، ۴۹۱/۱.

^{۸۱} - علامه حلی، ارشاد الاذهان، ۲۷۰/۱، ابن ادریس حلی، السرائر، ۲۷۵/۱؛ ابن براج، المهذب، ۱۲۶/۱.

^{۸۲} - طوسی، تهذیب الاحکام، ۱۹۷/۲.

^{۸۳} - نجاشی، رجال النجاشی، ۲۵۲.

^{۸۴} - کشی، رجال الکشی، ۵۶۲.

^{۸۵} - محقق سبزواری، ذخیره المعاد، ۳۸۴/۲.

^{۸۶} - محقق سبزواری، کفایة الاحکام، ۴۹۱/۱.

^{۸۷} - خوئی، مصباح الاصول، ۲۰۲/۱ و ۲۰۳.

هستند و متقدمان هرگز بر فتاوی خود اقامه دلیل نمی‌کنند و فقط فتوا را نقل می‌کنند و مجرد انطباق دلالت، دلیل بر استناد به آن نیست.

از نظر ایشان اعراض مشهور از خبر صحیح یا موثق موجب وهن و سقوط از حجت نمی‌شود.

۳. انجبار با اجماع منقول

چنانچه لباس فرد نمازگزار نجس شود و غیر از آن لباس دیگری نداشته باشد در این صورت در بین فقها اختلاف نظر وجود دارد. برخی از فقها قائل به وجوب کندن لباس و نماز خواندن به حالت عریان‌اند.^{۸۸} در مقابل عده‌ای قائل به تخییر بین نماز به حالت عریان و نماز خواندن با لباس نجس‌اند.^{۸۹}

شهید ثانی معتقد است اگرچه نمازگزار مخیر است اما نماز خواندن با لباس افضل است.^{۹۰}

شیخ طوسی دلیل خود را اجماع فرقه و روایت «سماعة بن مهران»^{۹۱} و «منصور بن حازم»^{۹۲} می‌داند.^{۹۳}

محقق سبزواری معتقد است گرچه دو روایتی که مستند شیخ طوسی است به حد صحت نمی‌رسند اما ضعف سند با شهرت این دو روایت در بین اصحاب و اجماع منقول منجر می‌شود و از نظر ایشان خواندن نماز با لباس اولی است.^{۹۴}

از نظر محقق خوئی در اجماع منقول، ناقل اجماع از رأی معصوم از روی حس یا شبیه آن و حدسی که ناشی از سببی که ملازم قول معصوم (ع) است خبر نمی‌دهد، فقط در صورتی که استناد ناقل اجماع به حس معلوم باشد بدین صورت که معاصر عصر امام (ع) باشد و از امام حکم را شنیده باشد و با لفظ اجماع نقل کرده باشد، در این صورت به آن خبر عمل می‌شود، اما صغرای این بیان محقق نیست؛ زیرا قطع داریم اجماعات منقول در کلام اصحاب، مستند به حس نیست و ناقلین اجماع زمان حضور معصوم را درک نکرده‌اند. در زمان غیبت امام نیز ادعای رؤیت امام غیر مسموع است، اما برخی از بزرگان ادعای حجیت اجماع منقول در کلمات قدما دارند؛ بدین صورت که احتمال دارد مستند ایشان استماع از معصوم، گرچه با واسطه باشد و این به دلیل نزدیکی دوره قدما به عصر حضور معصومان است؛ در نتیجه اقوال علما را به قول معصوم ضمیمه کرده و آن را با لفظ اجماع نقل کرده‌اند، پس اجماع منقول متقدمان از نوع اخبار از امر حسی است. اما این احتمال اولاً احتمالی موهوم است زیرا تتبع در اجماعات قدما مانند شیخ طوسی و سید مرتضی این نکته را روشن می‌سازد که شیخ طوسی در اجماع به قاعده لطف استناد کرده، نه به حس و سید مرتضی نیز به اصل و قاعده استناد کرده و این دو اعتنایی به استناد به حس در نقل اجماع نداشته‌اند.

ثانیاً بر فرض پذیرش مستند بودن اجماع قدما به حس، گرچه با واسطه، اجماع منقول ایشان به منزله روایت مرسله‌ای است که اعتماد بدان به دلیل عدم شناخت واسطه بین ایشان و معصوم و عدم ثبوت وثاقت واسطه، صحیح نیست.^{۹۵}

^{۸۸} طوسی، المبسوط، ۳۸/۱؛ طوسی، النهایة، ۵۵؛ ابن ادریس، السرائر، ۱۸۶/۱؛ محقق حلی، شرایع الاسلام، ۴۶/۱.

^{۸۹} علامه حلی، منتهی المطلب، ۳۰۳/۳، محقق حلی، المعتمد، ۴۴۴/۱.

^{۹۰} شهید ثانی، حاشیة الارشاد، ۸۶/۱.

^{۹۱} طوسی، تهذیب الاحکام، ۲۲۳/۲، کلینی، الکافی، ۳۹۶/۳.

^{۹۲} طوسی، تهذیب الاحکام، ۲۲۳/۲؛ طوسی، الاستبصار، ۱۶۸/۱.

^{۹۳} طوسی، الخلاف، ۳۹۹/۱.

^{۹۴} محقق سبزواری، ذخیره المعاد، ۱۶۹/۱.

^{۹۵} خوئی، مصباح الاصول، ۱۳۶، ۱۳۷ و ۱۳۸.

۴. نقل اصحاب اجماع از یک راوی

اصحاب اجماع گروهی از راویان حدیث بوده‌اند که مورد وثوق و مدح ائمه (ع) بوده و ائمه مردم را به رجوع به ایشان و عمل به روایاتی که این گروه نقل می‌کنند امر کرده‌اند و بودن ایشان را در زنجیره سند، سبب ثبوت نقل و وثوق به روایت دانسته‌اند.^{۹۶} کشی در مورد صحیح بودن روایات اصحاب اجماع، ادعای اجماع نموده است.^{۹۷} محقق سبزواری معتقد است اگر سند روایتی تا اصحاب اجماع صحیح باشد در این صورت راویان قبل از او مورد بررسی قرار نخواهند گرفت و روایت صحیح انگاشته می‌شود. وی در موارد متعددی از این قرینه استفاده نموده و روایات ضعیف را به دلیل وجود یکی از اصحاب اجماع در میان روایات جزو روایات صحیح قرار داده است.^{۹۸} ایشان در مبحث مس قرآن بدون وضو به روایتی از حریر از امام صادق (ع) استناد کرده و معتقد است که این روایت به دلیل ارسال ضعیف است، اما ازین رو که روایت تا «حمادبن عثمان» صحیح است و او از جمله اصحاب اجماع است، روایت صحیح شمرده می‌شود.^{۹۹}

محقق خوئی بر خلاف محقق سبزواری که قائل است هر چه اصحاب اجماع روایت کنند قطعی الصدور محسوب است، معتقد است که مراد کشی از «تصحیح ما یصح عنهم» ناظر به صحت آنچه اصحاب اجماع از معصومان روایت می‌کنند حتی روایات مرسله و روایاتی که در میان روایات آنها افراد ضعیف یا مجهول الحال وجود دارد، نیست بلکه بیان منزلت و جلالت شأن این افراد است و اجماع امامیه نیز بر وثاقت و تصدیق روایت آنان منعقد شده است، بدین معنا که ایشان در روایاتشان متهم به کذب نیستند.^{۱۰۰}

۵. حضور مشایخ اجازه در سند حدیث

مشایخ اجازه راویانی هستند که روایت اصل یا کتابی را به دیگران اجازه داده‌اند و خود این مشایخ در کتاب‌های رجالی توثیق نشده‌اند.^{۱۰۱} ابوعلی حائری، از مشایخ اجازه بودن را از جمله عوامل مدح و حسن راوی و موجب قبول روایت می‌داند.^{۱۰۲} علامه بحر العلوم در مورد «سهل بن زیاد» بیان می‌دارد که نقل روایت از او صحیح است، با اینکه در کتاب‌های رجالی توثیق نشده است، اما حضور ایشان ضرری به صحت روایت وارد نمی‌کند.^{۱۰۳} علامه مجلسی نیز جهالت مشایخ اجازه را دلیلی بر ضعف روایت نمی‌داند.^{۱۰۴} محقق خوئی معتقد است شیخوخیت اجازه بر وثاقت و مدح راوی دلالت نمی‌کند. به عقیده ایشان بر فرض قبول وثاقت مشایخ اجازه، ایشان از اصحاب اجماع از لحاظ جلالت و عظمت بالاتر نیستند، درحالی که در منابع رجالی از وثاقت اصحاب اجماع سخن به میان می‌آید، اما از وثاقت مشایخ اجازه سخنی به میان نمی‌آید.^{۱۰۵} در مورد مشایخ اجازه آنچه از بیان

^{۹۶} - حر عاملی، وسائل الشیعة، ۲۲۱/۳۰.

^{۹۷} - کشی، رجال الکشی، ۳۷۵ و ۵۵۶.

^{۹۸} - محقق سبزواری، ذخیره المعاد، ۸/۱، ۲۳۶/۲ و ۲۷ و ۳۷۵ و ۴۲۲ و ۷۲۰.

^{۹۹} - محقق سبزواری، ذخیره المعاد، ۳/۱.

^{۱۰۰} - خوئی، معجم رجال الحدیث، ۵۹/۱.

^{۱۰۱} - سبحانی، کلیات فی علم الرجال، ۳۳۵.

^{۱۰۲} - مازندرانی حائری، منتهی المقال، ۸۵/۱.

^{۱۰۳} - بحر العلوم، الفوائد الرجالية، ۲۵/۳.

^{۱۰۴} - مجلسی، الوجیزة فی الرجال، ۹۱، مجلسی، مرآة العقول، ۱۰۱/۱ و ۱۷۱/۱۹.

^{۱۰۵} - خوئی، معجم رجال الحدیث، ۷۳/۱.

محقق سبزواری می‌توان دریافت این است که ایشان معتقد بودند که مشایخ اجازه اگرچه در کتاب‌های رجالی توثیق نشده‌اند، اما ذکر نام آن‌ها در سلسله سند روایات اولاً به دلیل رعایت اتصال سند است، ثانیاً به دلیل اعتماد به اصل و کتابی است که این روایت را از آن اخذ کرده‌اند؛ بنابراین از نظر محقق سبزواری جهالت مشایخ اجازه و عدم وثاقت آن‌ها موجب قدح و تضعیف سند روایت نمی‌شود. به‌عنوان نمونه محقق سبزواری در مورد روایت شیخ صدوق از «عبیدالله بن مغیره» بیان می‌دارد که در سند این روایت «احمد بن محمد بن یحیی» قرار دارد که شیخ صدوق از وی روایت نقل کرده است و او فردی است که در کتب رجالی توثیق نشده است، با این حال محقق سبزواری معتقد است غیر موثق بودن وی ضرری به سند وارد نمی‌کند زیرا «احمد بن محمد» از مشایخ اجازه است و کتاب مستقلی ندارد و از کتاب‌های دیگران روایات را نقل می‌کند و خودش از افرادی است که واسطه در نقل حدیث هستند و مشایخ اجازه روایات را از کتاب‌های مورد اعتماد نقل می‌کردند؛ در نتیجه بودن مشایخ اجازه در سند حدیث باعث ضعف سندی حدیث نمی‌شود.^{۱۰۶}

۶. نقل مشایخ ثقات از یک راوی

مشایخ ثقات گروهی از راویان حدیث شامل «محمد بن ابی عمیر، صفوان بن یحیی و احمد بن محمد بن ابی نصر بزنی» می‌باشند و که ایشان جز از راوی ثقه روایت نقل نمی‌کند.^{۱۰۷} به نظر می‌رسد اولین بار شیخ طوسی در مورد مشایخ ثقات سخن گفته است. ایشان در این مورد بیان داشته که اگر یکی از دو راوی، مسند و دیگری مرسل باشد، به مرسل نگاه می‌کنیم، اگر جزء کسانی باشد که می‌دانیم جز از راویان ثقه نقل روایت نمی‌کند، روایت مسند نسبت به مرسل ترجیح ندارد. بدین جهت امامیه روایات محمد بن ابی عمیر، صفوان بن یحیی، احمد بن محمد بن ابی نصر و سایر ثقاتی که این‌گونه شناخته شده‌اند که تنها از راویان ثقه روایت می‌کنند، با روایاتی که دیگران با سند ذکر می‌کنند، برابر دانسته‌اند و به مراسیل آنان در صورتی که به صورت منفرد ذکر شده باشد، عمل می‌کنند. اما اگر چنین نباشد و جزء کسانی باشد که از ثقه و غیر ثقه نقل می‌کند، روایت مسند بر او مقدم است. و اگر هم روایت او به صورت منفرد و تنها نقل شده باشد باید نسبت به آن توقف کرد تا دلیلی بر عمل به آن پرسد.^{۱۰۸} این بیان شیخ طوسی حاوی دو نکته است: اول اینکه مشایخ ثقات جز از راویان موثق روایت نقل نمی‌کنند. دوم اینکه مراسیل مشایخ ثقات در حکم مسندات ایشان است.

محقق سبزواری نیز همچون مشهور فقها قائل به ثقه بودن راویانی است که ایشان از آن‌ها روایت نقل می‌کنند. به‌عنوان نمونه ایشان در مورد روایتی که کلینی و شیخ طوسی آن را جزو روایات ضعیف قرار می‌دهند بیان می‌دارد که «ابن ابی نصر» از جمله راویان حدیث و از جمله بزرگانی است که جز از ثقه روایت نقل نمی‌کنند، در نتیجه ضعف روایت مضر نمی‌باشد.^{۱۰۹} هم‌چنین معتقد است که روایت مرسل مشایخ ثقات در حکم مسند است. مثلاً در مورد مراسیل «ابن ابی نصر» بیان می‌دارد که روایات مرسلش در حکم مسندند؛ زیرا او از جمله بزرگانی است که جز از ثقه روایت نقل نمی‌کنند.^{۱۱۰} یا در مورد مراسلات

^{۱۰۶} - محقق سبزواری، ذخیره المعاد، ۳۰۵/۲.

^{۱۰۷} - سبحانی، کلیات فی علم الرجال، ۲۰۵.

^{۱۰۸} - طوسی، العدة، ۱۵۴/۱.

^{۱۰۹} - محقق سبزواری، ذخیره المعاد، ۶۲/۱.

^{۱۱۰} - محقق سبزواری، ذخیره المعاد، ۵۱۴/۲؛ محقق سبزواری، کفایة الاحکام، ۴۹۱/۱.

«صفوان بن یحیی» بیان می‌دارد که اصحاب به مرسلات او عمل می‌کنند؛ زیرا او از اصحاب اجماع بوده و جز از ثقه نقل روایت نمی‌کند.^{۱۱۱}

محقق خوئی نظر شیخ طوسی را در مورد مشایخ ثقات نپذیرفته و اشکالاتی بر آن وارد می‌کند:

۱- یکسان‌انگاری که شیخ بیان فرموده ثابت نیست زیرا اگر صحیح بود و در بین اصحاب معروف بود، در این صورت باید قدمای اصحاب در مورد آن صحسختن می‌گفتند، در حالی که اثری از آن در کلام قدما نیست.

۲- بر فرض که این یکسان‌انگاری ثابت باشد و بپذیریم که اصحاب به مراسیل ابن ابی عمیر و صفوان و بزنتی و امثال آنها عمل کرده‌اند اما منشأ عمل اصحاب نمی‌تواند این باشد که ایشان «لَا يَرُوْنَ وَلَا يُرْسَلُونَ إِلَّا عَنْ ثِقَةٍ» بلکه منشأ آن این است که بنای عامل بر حجت‌شمردن هر خبری است که شخص امامی آن را نقل کرده و فسقی نیز از او ظاهر نشده است. البته این سخن در صورتی صحیح است که وثاقت راوی را شرط ندانیم.

۳- اثبات این ادعا که مشایخ ثقات «لَا يَرُوْنَ وَلَا يُرْسَلُونَ إِلَّا عَنْ ثِقَةٍ» بسیار مشکل است، مگر اینکه خود راوی تصریح کند که «أَنَّهُ لَا يَرُوِي وَلَا يُرْسَلُ إِلَّا عَنْ ثِقَةٍ» و این امری دشوار است و ظاهراً این امر به هیچ‌یک از این روایات نسبت داده نشده است. نهایت اینکه بگوییم ما ندیده‌ایم که اینان از افراد ضعیف روایت نقل کنند اما چنین سخنی دلالت بر عدم وجود ندارد. اگر این ادعا قبول شود فقط در مورد مسانید مورد پذیرش است، نه مراسیل.

۴- این ادعا که مشایخ ثقات «لَا يَرُوْنَ إِلَّا عَنْ ثِقَةٍ» امری است که ثابت نشده است؛ زیرا ایشان از افراد ضعیف هم روایت کرده‌اند.^{۱۱۲}

۷. نبود روایت معارض

هرگاه نجاستی به یکی از دو ظرف، برخورد کند به‌گونه‌ای که ملاقی در اثر برخورد با نجاست نجس شود، در این صورت آیا باید از هر دو ظرف اجتناب کرد یا اینکه اصل طهارت در آن‌ها جاری می‌شود؟ محقق سبزواری همانند مشهور فقها معتقد است که احتمال ملاقات با نجاست، طهارت یقینی را از بین نمی‌برد و مستند این حکم روایت موثقه «كُلُّ شَيْءٍ تَطْيِفُ حَتَّى تَعْلَمَ أَنَّهُ قَدِرٌ»^{۱۱۳} است. ایشان عدم صحت این روایت را مانعی در عمل به روایت به شمار نمی‌آورد و معتقد است عمل به آن، به دلیل عدم وجود روایت معارض بعید نیست.^{۱۱۴}

۸. مطابقت با اصل

چنانچه برده‌ای بین دو مالک مشترک باشد، نظر اکثر فقها این است که در صورتی که عبد نان‌خور هر دو مالک باشد و یا اینکه نان‌خور هیچ‌کدام نباشد، در این صورت زکات فطره وی مشترک بین دو مالک است. ابن بابویه وجوب زکات فطره بر مالکان را موقوف به تکمیل عیلولت یک نفر می‌داند و نان‌خوری‌های نصفه و نیمه را موجب وجوب فطره نمی‌داند.^{۱۱۵} مستند ایشان روایت

^{۱۱۱} - محقق سبزواری، ذخیره المعاد، ۴۱/۱.

^{۱۱۲} - خوئی، معجم رجال‌الحديث، ۱/۶۲ و ۶۳.

^{۱۱۳} - حر عاملی، وسائل الشیعة، ۱۰۵۴/۲.

^{۱۱۴} - محقق سبزواری، ذخیره المعاد، ۱۳۸/۱.

^{۱۱۵} - ابن بابویه، الهدایة فی الاصول، ۲۰۵/۲.

زاره است.^{۱۱۶} محقق سبزواری بعد از بیان نظر شیخ صدوق بیان می‌دارد گرچه این روایت ضعیف است، اما به دلیل موافقت با اصل و سلامت از معارض، عمل به این روایت موجه است.^{۱۱۷}

۹. مطابقت با آیه

محقق سبزواری در بحث قربانی حج معتقد است که حاجی برای تأمین ثمن هدی نباید لباس مهمانی خود را بفروشد. دلیل این حکم نیز روایت مرسله علی بن اسباط^{۱۱۸} است. یکی از قرائنی که وی برای جبران ضعف سند این روایت در کنار عمل اصحاب استفاده کرده ظاهر آیه «فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ»^{۱۱۹} است؛ زیرا از نظر ایشان استیسار در این صورت عرفاً صادق نیست.^{۱۲۰}

۱۰. موافقت با مقتضای عقل

مطابقت با مقتضای دلیل عقلی نیز یکی دیگر از قرائن مورد استفاده محقق سبزواری در اعتباربخشی به روایات ضعیف است. برای نمونه در بحث تیمم، یکی از موارد جواز تیمم، جایی است که فرد در حالت جستجوی آب، ترس از دزد یا حیوان درنده داشته باشد.^{۱۲۱} مستند این حکم دو روایت «یعقوب بن سالم»^{۱۲۲} و «داود الرقی»^{۱۲۳} است. به عقیده ایشان قرح در سند این دو روایت مانع از عمل به آن‌ها نیست؛ زیرا از نظر ایشان این روایات موافق با مقتضای دلیل عقلی بوده و اصحاب بدان عمل کرده اند.^{۱۲۴}

۱۱. مخالفت عامه

یکی از نجاساتی که در نماز بخشیده شده است، نجس بودن چیزی است که نماز خواندن با آن به تنهایی صحیح نمی‌باشد، از قبیل جوراب و کلاه و... در مورد اصل این حکم اختلاف نظری در بین فقها وجود ندارد، گرچه در مورد تفصیل آن اختلاف وجود دارد.^{۱۲۵}

^{۱۱۶} - حر عاملی، وسائل الشیعة، ۲۵۴/۶.

^{۱۱۷} - محقق سبزواری، کفایة الاحکام، ۲۰۳/۱.

^{۱۱۸} - حر عاملی، وسائل الشیعة، ۲۰۲/۱۴.

^{۱۱۹} - بقره: ۱۹۶.

^{۱۲۰} - محقق سبزواری، ذخیره المعاد، ۶۶۶/۲.

^{۱۲۱} - علامه حلی، تذکرة الفقهاء، ۱۵۳/۲، محقق حلی، المعتمد، ۳۶۶/۱.

^{۱۲۲} - طوسی، تهذیب الاحکام، ۱۸۴/۱.

^{۱۲۳} - حر عاملی، وسائل الشیعة، ۹۶۴/۲.

^{۱۲۴} - محقق سبزواری، ذخیره المعاد، ۹۴/۱.

^{۱۲۵} - محقق حلی، المعتمد، ۴۳۴/۱؛ شهید اول، ذکری الشیعة، ۱۳۸/۱، ابن ادریس حلی، السرائر، علامه حلی، نهاية الاحکام، ۲۸۳/۱.

مستند این حکم روایاتی است، از جمله روایت حلبی،^{۱۲۶} ابراهیم بن ابی بلاد،^{۱۲۷} حماد بن عثمان^{۱۲۸} و عبدالله بن سنان.^{۱۲۹} محقق سبزواری بعد از بیدکر این روایات معتقد است که ضعف سند منجر به کنار نهادن این روایات نمی شود. مخالفت عامه، از جمله قرآنی است که ایشان برای عمل به این روایات و جبران ضعف سندی نام برده است.^{۱۳۰}

۱۲. مطابقت با روایت صحیح

پرداخت زکات فطره برای طفلی که بعد از هلال ماه شوال به دنیا بیاید واجب نیست. مستند این حکم نیز روایت ضعیف ابن بابویه از معاویه بن عمار است.^{۱۳۱} محقق سبزواری معتقد است، ضعف این روایت به دلیل همسویی با صحیح معاویه بن عمار^{۱۳۲} جبران می شود.^{۱۳۳}

ب) شیوه‌های تقویت دلالت روایات از دیدگاه محقق سبزواری

محقق سبزواری روایاتی را که سند صحیح و معتبری دارند را با قرائن مختلفی همراه نموده و این تراکم قرائن و معاضدت دلایل را سبب تقویت دلالت حدیث و نشانه‌ای بر صحت و درستی مضمون حدیث شمرده است. در ذیل به مواردی که محقق سبزواری در جهت تقویت روایات از آن‌ها استفاده نموده است اشاره می شود.

۱- اعتضاد روایت با آیه

صاحب کفایه در مورد حکم خوردن کلاغ، به دلیل صحیح زراره^{۱۳۴} نظر اقرب را کراهت دانسته و معتقد است که معتضد شدن روایت با آیه قرآن کریم^{۱۳۵} و روایات دیگر سبب تقویت دلالت صحیح می شود.^{۱۳۶}

۲- اعتضاد روایت با روایات صحیح‌السند دیگر

۱۲۶- حر عاملی، وسائل الشیعة، ۲۷۳/۳.
۱۲۷- حر عاملی، وسائل الشیعة، ۱۰۴۶/۲.
۱۲۸- حر عاملی، وسائل الشیعة، ۱۰۴۵/۲.
۱۲۹- حر عاملی، وسائل الشیعة، ۱۰۴۶/۲.
۱۳۰- محقق سبزواری، ذخیره المعاد، ۱۶۰/۱.
۱۳۱- ابن بابویه، من لایحضره الفقیه، ۱۷۹/۲.
۱۳۲- طوسی، تهذیب الاحکام، ۷۲/۴.
۱۳۳- محقق سبزواری، ذخیره المعاد، ۴۷۳/۲.
۱۳۴- حر عاملی، وسائل الشیعة، ۳۲۸/۱۶.
۱۳۵- بقره: ۱۷۲ و ۱۷۳؛ انعام: ۱۴۵.
۱۳۶- محقق سبزواری، کفایة الاحکام، ۶۰۰/۲.

محقق سبزواری جدایی افکندن بین مادر و فرزندان را به وسیله بیع جایز نمی داند و معتقد است حکم به تحریم این عمل خالی از قوت نیست. مستند ایشان نیز صحیحہ معاویة بن عمار^{۱۳۷} است. ایشان صحیحہ معاویة بن عمار را با صحیحہ هشام بن حکم^{۱۳۸} و روایت سماعة^{۱۳۹} معتضد نموده است که این تعاضد باعث تقویت دلالت روایت معاویة بن عمار می شود.^{۱۴۰}

۳- اعتضاد با دلیل عقلی

نظر مشهور و اقرب این است که رضایت مضمون^{۱۴۱} له در صحت ضمان شرط است و این حکم به دلیل صحیحہ عبدالله بن سنان است^{۱۴۱} که این روایت از نظر محقق سبزواری با شهرت و اعتبار عقلی نیز معتضد می باشد.^{۱۴۲} در اینجا شهرت و موافقت با عقل از جمله مؤیداتی است که سبب تقویت دلالت روایت شده اند.

۴- اعتضاد با اصل

محقق سبزواری در مورد اختلاف زوجین در میزان مهریه، همچون مشهور معتقد است که قول زوج با قسم او درجایی که مدعی مقدار کمتر است، مقدم می شود و دلیل این حکم نیز صحیحہ ابی عبیده^{۱۴۳} است. اعتضاد این روایت با اصل برائت ذمه زوج از مقدار زائد از جمله قرائنی است که محقق سبزواری جهت تقویت دلالت روایت از آن استفاده نموده است.^{۱۴۴}

۵- اعتضاد با عمل اصحاب

محقق سبزواری قائل به طهارت منی حیواناتی است که خون جهنده ندارند، وی به دو روایت صحیحہ زید الشحام و زراره و محمد بن مسلم^{۱۴۵} و صحیحہ ابن ابی عمیر^{۱۴۶} استناد نموده است. اصل طهارت و عمل اصحاب به این روایات نیز از جمله مؤیداتی هستند که توسط ایشان در جهت تقویت دلالت روایات مورد استفاده قرار گرفته اند.^{۱۴۷}

نتیجه گیری

محقق سبزواری از فقهای متأخری است که قائل به نظریه وثوق صدوری بوده و ضمن ردّ نظر متأخران در تقسیم چهارگانه خبر معتقد است که ملاک عمل به خبر واحد، حصول ظنّ قوی به مدلول روایت است و این ظن از طرق مختلفی حاصل می شود که فقط یکی از آنها سند حدیث است. ایشان برخلاف پیروان نظریه وثوق سندی معتقد است که راه های دیگری نیز برای حصول اطمینان به صدور حدیث از معصوم وجود دارد؛ در نتیجه در عمل به روایات، تنها به بررسی سند حدیث اکتفا نمی کند. صاحب کفایة الاحکام در مواجهه با روایات ضعیف تلاش می کند تا با استفاده از روش هایی مانند انجبار با شهرت عملی و روایی،

۱۳۷- حر عاملی، وسائل الشیعة، ۴۱/۱۳.

۱۳۸- حر عاملی، وسائل الشیعة، ۴۱/۱۳.

۱۳۹- حر عاملی، وسائل الشیعة، ۴۲/۱۳.

۱۴۰- محقق سبزواری، کفایة الاحکام، ۵۱۶/۱.

۱۴۱- حر عاملی، وسائل الشیعة، ۱۴۹/۱۳.

۱۴۲- محقق سبزواری، کفایة الاحکام، ۵۹۳/۱.

۱۴۳- طوسی، تهذیب الاحکام، ۳۶۴/۷.

۱۴۴- محقق سبزواری، کفایة الاحکام، ۲۴۶/۲.

۱۴۵- طوسی، تهذیب الاحکام، ۲۱/۱.

۱۴۶- طوسی، تهذیب الاحکام، ۱۹/۱.

۱۴۷- محقق سبزواری، ذخیره المعاد، ۱۴۶/۱.

انجبار با اجماع منقول، مطابقت با اصل، نقل مشایخ ثقات از یک راوی و ... ضعف استنادی را جبران کند. سپس سعی دارد تا از راه تقویت مضمون و دلالت حدیث با استفاده از تجمیع قرائن مختلف به روایات اعتبار مضاعف بخشد. از مهم‌ترین مؤیداتی که از دیدگاه محقق سبزواری سبب تقویت دلالت و مضمون حدیث می‌شوند می‌توان به تعاضد با ظاهر آیه، تعاضد با اصل، تعاضد با دلیل عقلی و ... اشاره کرد. ایشان از پیروان نظریه اجتهادی تجمیع ظنون است که در حقیقت به معنای اطمینان پیدا کردن به طریقه تجمیع و تراکم ظنون است.

منابع

قرآن کریم

- آخوند خراسانی، محمدکاظم. کفایة الاصول. قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹ق.
- ابن بابویه، محمدبن علی. من لا یحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
- ابن بابویه، محمدبن علی. المقنع. قم: پیام امام هادی (ع)، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
- ابن بابویه، محمدبن علی. الهدایة فی الاصول و الفروع. قم: مؤسسه الامام الهادی، چاپ اول. ۱۴۱۸ق.
- ابن ادريس حلی، محمدبن احمد. السرائر. قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
- ابن براج، عبدالعزیز بن نحریر. المذهب. قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۶ق.
- ابن فارس، احمد بن فارس. معجم مقانیس اللغة. قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول. ۱۴۰۴ق.
- ابن فهد حلی، احمد بن محمد. المقتصر من شرح المختصر. مشهد: آستانة الرضویة، ۱۳۹۶ش.
- انصاری، مرتضی. فرائد الاصول. قم: مجمع الفکر الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۹.
- ایوان کیفی، محمد تقی. هدایة المسترشدين. قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۲۹ق.
- بحر العلوم، محمد مهدی. الفوائد الرجالية. تهران: مكتبة الصادق، چاپ اول، ۱۳۶۳.
- بحرانی، یوسف بن احمد. الحدائق الناضرة. قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۵.
- بهبهانی، محمدباقر. فوائد الحائرية، قم: مجمع الفکر الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
- بهبهانی، محمدباقر. حاشیة مجمع الفائدة و البرهان. قم: مؤسسه العلامة الوحید البهبهانی، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
- بهرام نسب، محمد سهیل. «واکاوی کتاب «ثلاث رسائل فی الجهاد» روش شناسی اجتهاد- نواندیشی های فقهاتی» پژوه نامه فقه و علوم اسلامی. دوره ۱، ش ۱، (تابستان ۱۴۰۱)، ۱۲۳ تا ۱۵۶.
- حاج عاملی، محمد حسین. ارشاد العقول. قم: مؤسسه الامام الصادق علیه السلام، چاپ اول، ۱۴۲۶ق.
- حر عاملی، محمد بن حسن. تفصیل وسائل الشیعة. قم: مؤسسه آل البيت، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
- حلی، حسین. اصول الفقه. قم: مكتبة الفقه و الاصول المختصة، چاپ اول، ۱۴۳۲ق.
- خمینی، روح الله. کتاب الطهارة. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.
- خوئی، سید ابوالقاسم. مصباح الاصول. قم: کتاب فروشی داوری، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق.
- خوئی، سید ابوالقاسم. معجم رجال الحديث. قم: دفتر آیه الله العظمی الخوئی، چاپ چهارم، ۱۴۰۹ق.
- خوئی، ابوالقاسم. مصباح الفقاهة، قم: مكتبة الداوری، چاپ اول، ۱۳۷۷.

- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. مفردات الفاظ القرآن. لبنان: دار العلم، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
- ربانی، محمد حسن. مکاتب فقهی، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، چاپ دوم، ۱۳۹۵ش.
- روحانی، محمد صادق. زبدة الاصول. قم: مدرسة الامام صادق عليه السلام، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
- سبحانی تبریزی، جعفر. کلیات فی علم الرجال. قم: جماعة المدرسين، چاپ چهارم، ۱۴۲۱ق.
- سبزوری، عبد الاعلی. تهذیب الاصول. قم: مؤسسه المنار، چاپ سوم، ۱۴۱۷ق.
- سیستانی، سید علی. حجیة خبر الواحد. بی جا، ۱۴۳۷ق.
- سیستانی، سید محمدرضا. قسات من علم الرجال. بیروت: دار المورخ العربی، چاپ اول، ۱۴۳۷ق.
- شهید اول، محمد بن مکی. ذکرى الشيعة. قم: مؤسسه آل البيت، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
- شهید اول، محمد بن مکی. غایة المراد. قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۹۶ش.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی. روض الجنان. قم: بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۰ش.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی. مسالک الافهام. قم: مؤسسه المعارف الاسلامیة، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی. حاشیة الارشاد. قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی. الرعاية فی علم الدراية. قم: مكتبة آية الله العظمى المرعشى النجفی، چاپ دوم، ۱۴۰۸ق.
- صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد. المحيط. لبنان: عالم الكتاب، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
- صاحب جواهر، محمد حسن بن باقر. جواهر الكلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم، ۱۴۰۴ق.
- صاحب معالم، حسن بن زین الدین. منتقى الجمان. قم: جماعة المدرسين، چاپ اول، ۱۳۶۲.
- صدر، محمد باقر. دروس فی علم الاصول. بیروت: دارالكتاب اللبنانى، چاپ دوم، ۱۴۰۶ق.
- صرامی، سیف الله. مبانی حجیت آرای رجالی. قم: دار الحدیث، ۱۳۹۱ش.
- طوسی، محمد بن حسن. النهاية. بیروت: دار الكتاب العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۰ق.
- طوسی، محمد بن حسن. المبسوط. تهران: المكتبة المرتضوية، چاپ سوم، ۱۳۸۷ق.
- طوسی، محمد بن حسن. تهذیب الاحکام. تهران: دار الكتب الاسلامیة، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
- طوسی، محمد بن حسن. الخلاف. قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۷ق.
- طوسی، محمد بن حسن. الاستبصار. تهران: دار الكتب الاسلامیة، چاپ اول، ۱۳۹۰ق.
- طوسی، محمد بن حسن. العدة. قم: چاپخانه ستاره، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
- عاملی، بهاء الدین محمد بن حسین. مشرق الشمسين. مشهد: مجمع البحوث الاسلامیة، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.
- عراقی، ضیاء الدین. نهاية الافکار. قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ سوم، ۱۴۱۷ق.
- علامه حلی، حسن بن یوسف. تذکرة الفقهاء. قم: مؤسسه آل البيت، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
- علامه حلی، حسن بن یوسف. مختلف الشيعة. قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
- علامه حلی، حسن بن یوسف. منتهی المطلب. مشهد: مجمع البحوث الاسلامیة، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
- علامه حلی، حسن بن یوسف. نهاية الاحکام. قم: مؤسسه آل البيت، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.

- علامه حلی، حسن بن یوسف. ارشاد الازهان. قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
- علامه حلی، حسن بن یوسف. نهاية الوصول. قم: مؤسسه الامام صادق علیه السلام، چاپ اول، ۱۴۲۵ق.
- علیدوست، ابوالقاسم، محمد جواد لطفی. «مقایسه روش اجتهادی صاحب جواهر و محقق خوئی» جستارهای فقهی و اصولی. دوره ۶، ش ۱۹، (تابستان ۱۳۹۹)، ۱۲۵ تا ۱۵۱.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. کتاب العین. قم: نشر هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
- کشی، محمد بن عمر. رجال الکشی. مشهد: انتشارات دانشگاه مشهد، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
- کلانتری، ابوالقاسم. مطارح الانظار. قم: مجمع الفکر الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۲۵ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب. الکافی. تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
- مازندرانی حائری، محمد بن اسماعیل. منتهی المقال فی احوال الرجال. قم: مؤسسه آل البيت، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.
- مامقانی، عبدالله. مقباس الهدایة فی علم الدراية. قم: نگارش، چاپ اول، ۱۴۲۸ق.
- مامقانی، عبدالله. تنقیح المقال فی علم الرجال. قم: مؤسسه آل البيت، چاپ اول، ۱۴۲۳ق.
- مجلسی، محمد باقر، الوجیزة فی الرجال، چ ۱، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.
- مجلسی، محمد باقر، مرآة العقول. تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
- مجلسی، محمد باقر، روضة المتقین، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور، چاپ دوم، ۱۴۰۶ق.
- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد. مجمع الفائدة و البرهان. قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ اول،
- محقق حلی، جعفر بن حسن. شرایع الاسلام. قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم، ۱۴۰۸ق.
- محقق حلی، جعفر بن حسن. المعبر فی شرح المختصر. قم: مؤسسه سید الشهداء علیه السلام، چاپ اول، ۱۴۰۷ق.
- محقق سبزواری، محمد باقر بن محمد مؤمن. ذخیره المعاد. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول، ۱۲۴۷ق.
- محقق سبزواری، محمد باقر بن محمد مؤمن. کفایة الاحکام. قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۲۳ق.
- محقق کرکی، علی بن حسین. جامع المقاصد. قم: مؤسسه آل البيت، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.
- محمود، عبدالرحمن. معجم المصطلحات و الالفاظ الفقهية، قاهره: دار الفضيلة، بی تا.
- مصطفوی فرد، حامد. ایماندار، حمید. «نقش عملکرد حلقه فکری محقق اردبیلی در پیدایش اخباری گری در تشیع». فصلنامه علمی پژوهشی شیعه شناسی. سال نوزدهم، ش ۷۶، (زمستان ۱۴۰۰)، ۷ تا ۳۴.
- مظفر، محمدرضا. اصول الفقه. قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۷۰.
- موسوی عاملی، محمد بن علی. مدارک الاحکام. بیروت: مؤسسه آل البيت، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
- میرزای قمی. قوانین الاصول. تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه، ۱۳۷۸ق.
- نائینی، محمد حسین. اجود التقریرات. قم: کتاب فروشی مصطفوی، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
- نائینی، محمد حسین. فوائد الاصول. قم: جماعة المدرسین، چاپ اول، ۱۳۷۶.
- نجاشی، احمد بن علی. رجال النجاشی. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ق.
- نراقی، احمد بن محمد مهدی. عوائد الایام. قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.

-همدانی، رضابن محمد هادی. مصباح الفقیه. قم: مؤسسه الجعفریة، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.
یزدی، محمد کاظم بن عبد العظیم. کتاب التعارض. قم: انتشارات مدین، چاپ اول، ۱۴۲۶ق.

نسخه پیش انتشار